

کلاس عالی درس اخلاق

جزوه کار متربی

درس

گذشته - حال - آینده

از خلقت تا وحدت

”گذشته، حال، آینده“
”از خلقت تا وحدت“ یا

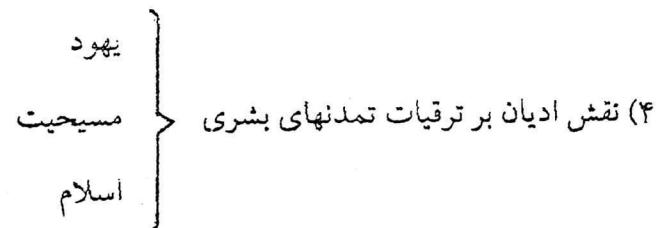
(نظری بر سیر تکامل اجتماعی نوع بشر در ظل ادیان)

- گذشته -

۱) خلقت و آفرینش

۲) احساسات مشترک مذهبی در بشر

۳) کیفیت پیدایش ادیان



- حال (جهان کنونی)

عالی انسانی :

۱) وضعیت کنونی عالم

۲) علل و دامنه بلیتات عالم

۳) هدف و جهت عالم

عالی بهائی :

۴) موقعیت جامعه جهانی بهائی در شرایط کنونی عالم

۵) نقش و تأثیر وقایع اخیر ایران

۶) وظائف بهائیان و علی الخصوص جوانان ایران در این ایام

- آینده -

- ۱) تمثیل چمیل
- ۲) دو جریان موازی
- ۳) هفت شمع وحدت
- ۴) از مجھولیت تا استقرار مدنیت الهی
- ۵) طرح کلی جهان آینده

گذشته:

۱- خلقت و آفرینش

چگونگی خلقت و آفرینش جهان هستی سر مکنونی است که از دیر باز ذهن آدمی را به خود مشغول داشته است. در راه آشکار شدن این راز دیر پیش همواره از دو بال نیرومند خویش یعنی "علم" و "دین" مدد جسته است و سعی نموده با توجه به ذرک و استعداد خویش در هر زمان آگاهی کاملتری نسبت به خلقت جهان هستی، پیدایش زمین و آفرینش انسان کسب نماید. در این مختصر سعی خواهد شد از دیدگاه ادیان قبل، از نظر صاحبان علوم و از نظرات امر مبارک در این زمینه مطلع شویم.

۱- خلقت از دیدگاه ادیان قبل:

هنگامیکه بشر اولیه منظره با شکوه طبیعت را مشاهده می نمود، رودخانه های عظیم و دریاهای بیکران، آسمان لا جور دی و ستارگان شب افروز را می دید که چگونه همه در نهایت نظم و اتقان بوجود آمدند حیرت می نمود که کدام منبع قدرتی در آفرینش این جهان دست داشته، با وجود فکر و اندیشه ابتدائی، بشر اولیه بطلان اصل تصادف و اتفاق را در خلقت عالم بالقطعه دریافته بود و به همین خاطر به دنبال کشف عامل یا عاملان بوجود آورتنده نظام عالم بود. و اعتقاد به خدایان متعدد و رب النوع های مختلف برای مظاهر متنوع طبیعت تا شی از همین تلاش و کوشش بشر اولیه می باشد.

ادیان بزرگ عالم خلقت جهان را به خدای پگانه مستحب می دارند که در مدت زمان خاص آفرینش عالم بوجود آمده است. چنانکه در قرآن کریم می خوانیم: "اللهُ الَّذِي خلق السموات والارض و ما بينهما في ستة ايام ثمَّ أستوى على العرش..."^(۱)

بر طبق نظریه ادیان قبل اولین انسان بروی کره ارض حضرت آدم از خاک زمین سرشته شد و در اروح حیات دمیده گشت، آنچه در نظریات ادیان قبل مشترک می باشد آفرینش جهان در زمان خاص و خلق الساعه بودن آن می باشد.

۱- سوره سجده آیه ۲۷: خدا آنکه آفرید آسمانها و زمین را و آنچه میان آن دو هست در شش روز پس مستوی بر هر شی...

۱- خلقت از دیدگاه صاحبان علوم :

یکی از کسانی که فرضیه‌ای در مورد پیدایش زمین و منظومه شمسی ایراد نموده بوفون دانشمند فرانسوی می‌باشد که معتقد است در اثر برخورد خورشید و یک ستاره دنباله‌دار منظومه شمسی، زمین بوجود آمده است و نیز فرضیات دیگری چون فرضیه سحابی لاپلاس - کانت مطرح می‌باشد که بر طبق این فرضیه، خورشید و سیارات منظومه‌اش در نتیجه یک انفجار شدید در خود که منجر به جدا شدن قسمتهایی از آن شده به وجود آورده است. در باره خلقت انسان بسیاری از دانشمندان علوم طبیعی بخصوص چارلز داروین معتقدند که زندگی از ساده‌ترین شکلهای نخستین شروع و از راه تکامل به ارگانیسم‌های پیچیده‌تر تبدیل تا سرایجام انسان که برترین صورت زندگی است بوجود آمده است. از اینگونه فرضیات بسیاری اعتقادات ماده باورانه یافتند و صحبت اینگونه فرضیات را دال بر انکار خدا به عنوان خالق هستی دانستند ولی با پیشرفت بشر در علوم مختلفه بتدریج دانشمندان و متفکران دیگری ظاهر شدند که یگانه منبع و نیروی حیات بخش را خدای یگانه دانستند. رصدخانه معروف "پالومار" در کالیفرنیای امریکا با آذره بین کیهان‌شناسی ۵۰۸ میلیمتری خودکه می‌تواند جهان آفرینش را تا مسافت ۲ میلیارد سال نوری ببیند، یک "هنگ" دانشمند فیزیک آلمانی، رادیو تلسکوپی، ریاضی دان و کیهان‌شناس را در اختیار دارد. کتابی که این رصدخانه منتشر کرده "آفرینش از نظر پرینستون" نام دارد که در فارسی بنام "دو هزار دانشمند در جستجوی خدای بزرگ" ترجمه شده است، نویسنده کتاب پروفسور "رایمون روایه" هفتاد ساله، استاد مشهور، پروفسور در فلسفه، ریاضی دان، فیزیکدان، کیهان‌شناس، جنین‌شناس، سلول شناس و بالاخره متخصص تجزیه و تحلیل اطلاعات علمی است که عقیده دارد، "اگر اصل و انصباطی در فکر بشری نباشد، دانش فلسفه یاوه‌های پوچی بیش نیست و به همین جهت کتاب خود را با یک جمله بصورت پیام همراه کرده است: "هزارة سوّم میلادی، بزوی با بازگشت بشریت بسوی روح، شعور و توجه بر ملکوت آغاز خواهد شد."

۲- خلقت از دیدگاه امر مبارک:

به اعتقاد اهل بھاء موضوع تدریج در تکوین عالم مطرح می‌باشد. در این باره حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "این کره ارض به هیئت حاضر واضح است که یک دفعه تکون نیافته است بلکه به تدریج ملین

موجود کلی اطوار مختلفه طی نموده... کره ارض در رحم عالم تکون یافته و نشوونما کرده و بصور و حالات مختلفه در آمده تا بتدریج مکملیت را یافته به مکونات نامتناهی تزیین جسته و در نهایت انتان

جلوه نموده است.^(۱)

همچنین در خصوص خلقت انسان که در کتب مقدسه الهی عنوان شده می فرمایند:

” قضیه ابوالبشر حضرت آدم که در کتب مقدسه مذکور تأویل دارد و تفسیر خواهد مقصد از ایجاد خلقت روحانی است و وجود رحمانی و الا اگر اندک ملاحظه شود اطفال نیز ادراک کنند که این کون نامتناهی، جهان هستی، این وجود بی پایان، این دستگاه عظیم، این کارخانه قدرت قدیم شش هزار نیست بسیار بیش از این است چنانچه به دلائل و براهین قاطعه عقلیه و اکتشافات بر اهل معارف و علوم در این عصر نورانی معلوم گردید الیوم آثاری اکتشاف یافته که ثابت و محقق است که ده هزار سال بیش بوده، از علم طبقات ارض این سر مکتوم مفهوم می گردد که عمر عالم بیش از تصور بشر است.^(۲)

۲- احساسات مشترک مذهبی در بشر

دین ستاره راهنمای

جاودانی است که هر چه فضای
زمین تیره‌تر می گردد روشن تر
می درخشد.

کار لایل

تاریخ زندگانی و سرگذشت آجتماعات اولیه بشری حاکی است که مذهب و دین رکن مهمی از مظاهر تمدن گروههای اولیه انسانی بوده. و اعتقادات روحانی در میان کلیه جوامع بدوی وجود داشته است. در زمانی که هنوز آثاری از تمدن و فرهنگ و علم و هنر مشاهده نمی شد و بشر بطور ساده و ابتدائی زندگانی می تمود در همان زمان احساسات مذهبی رکن مهمی از مظاهر اجتماعات بدوی

محسوب می شده است وجود این اعتقادات مذهبی در اقوام و ملل ابتدائی ما را پدیدن نتیجه می سازد که توجه به مذهب و دین یک احساس فطری است که از درون روح انسان سرچشمه می گیرد و زائیده تمایلات فطری و ذاتی بشر می باشد لذا برخلاف آراء و عقاید برخی از مکاتب مادی احساس مذهبی زائیده عوامل اقتصادی و تولیدی و یا مولود ترس و جهل انسان از قوای طبیعی نبوده بلکه این احساس ریشه های عمیقی در روح انسان دارد. برخی از دانشمندان روانشناس معاصر مانند ادلر و یونگ که درباره وجود انداخته اند مکتوم و ضمیر ناخود آگاه *Unconscious* تحقیقات دامنه داری داشته اند پدیدن نتیجه رسیده اند که کلیه مظاهر مختلفه تمدن ریشه های در روح انسانی دارد و برخی از علمای روانشناس با مطالعه عمیق جنبه روانی مذهب به ریشه احساس مذهبی در انسان پی برده و اثبات کردند که تمایل دینی و عاطفه مذهبی یکی از جلوه های ثابت و طبیعی روح انسانی است که اساساً "به ذات مستقل از سایر پدیده ها و کیفیات بوجود می آید و یکنون ادراک و تمایل فطری است که از وجود مکتوم و ضمیر ناخود آگاه بشر سرچشمه می گیرد. در حقیقت هر تجولی که در مصنوعات و طرز زندگی انسان بوجود می آید ریشه ای در فطرت انسانی دارد و سازمان روحی و درونی ما است که مظاهر مختلفه تمدن را بوجود آورده و هنر و ادبیات و علم و فلسفه و سایر مظاهر دیگر مدنیت بشری را تکامل و گسترش می بخشد. علمای علوم روانی گویند در نهاد انسان احساسات یا حواejی فطری وجود دارد که هر کدام از آنان منشاء و مولد یکی از مظاهر تمدن بشری بشمار می رود. مثلاً "احساس زیبایی Sentiment of beauty بوجود آورنده هنر و صنایع مستظرفه بوده و حسن کنجکاوی و حقیقت جوئی Sentiment of reality خالق علوم و منشاء تحقیقات و اکتشافات می باشد. همچنین احساسات و تمایلات مذهبی نیز مانند احساس علمی و احساس هنری یک احساس فطری بوده و علت اصلی توجه و تمایل انسان به مذهب گردیده است. در حقیقت این احساس و کشش درونی سبب شده است که عشق به پرستش و توجه به مبداء اصلی جهان و اعتقادات روحانی در انسان بوجود آید خصوصاً "چیزی که بیشتر از همه فطری بودن احساسات مذهبی را نشان می دهد عمومی بودن این احساس است بطوری که در تاریخ ملل گذشته هیچ ملتی را نمی توان پیدا کرد که حائز یکنون احساس مذهبی مخصوص بخود نباشد.

اگرچه این اعتقادات بسیار ساده و ابتدائی تا حدودی دور از واقعیت بنظر می رسد ولی آنچه مسلم می باشد این است که پیدا شده مذهب ابتدائی نشانه آن است که احساس مذهبی ریشه های فطری

داشته و انسان از بدن پیدایش بدنبال این احساسات طبیعی کشیده شده و این کشیدن درونی است که در حقیقت معتقدات روحانی را بوجود آورده است. جامعه شناس بزرگ فرانسوی دورکایم در کتاب دین و جامعه Religion And Society می‌نویسد احساسات مشترک و متفق الرأی مذهبی مؤمنین به ادیان در تمام ازمنه تاریخ نمی‌تواند بر اساس دروغ و اغفال فرض شود. یکی دیگر از روانشناسان بزرگ اروپا بنام جولیان هاکسلی گفته است احساسات مذهبی مانند احساس هنری و احساس مذهبی و احساس ادبی یک عاطفه درونی Inner Projection است. مقصود این دانشمند این است که توجه و تمایل به حقایق روحانی در نهاد انسان به ودیعه گذاشته شده و مذهب مانند احساس ادبی و هنری از تمایلات فطری و احساسات درونی انسان سرچشمه گرفته است. شاید بعضی تصویر کنند که چون مذهب ریشه فطری دارد، لذا فاقد منشاء الهی بوده و فقط و فقط معلول ساختمان درونی بشر و مولود تصویرات باطنی وی می‌باشد کما آینکه امروز در میان برخی از متفکرین غربی اعتقاد به مذهب بدون وحی without revelation وجود دارد.

ولی نکته دقیق اینجاست که فطری بودن احساسات مذهبی هرگز الهی بودن آنرا نمی‌کند. زیرا احساسات خفیه درونی و غواطف نهفته در روح انسانی زمانی به ظهور می‌رسد و به رشد و کمال می‌گراید که یک عامل بیرونی در آن تأثیر و دخالت نماید مثلاً "تاشوقی در خارج بوجود نیاید احساس عشقی بیدار نمی‌شود و تا هنری در خارج موجود نشود ذوق هنری تحریک نمی‌گردد و تا عاملی روحانی در خارج متجلی نگردد، احساس مذهبی بوجود نمی‌آید. آن عامل خارجی که احساس مذهبی را بیدار و معتقدات روحانی را بوجود می‌آورد ظهور ادیان و تجلی مظاهر مقدس و رسولانی است که در طول تاریخ مبغوث گشته و عواطف روحانی و مذهبی را تحریک می‌نمایند، مثلاً "اگر عیسی مسیح ظهور انگرده بود هرگز احساسات روحانی مؤمنین به وی بیدار نمی‌گردید و آنهمه آثار محیر العقول مانند قریانی و فدیه و شهادت و نثار و ایثار مسیحیان اولیه بوجود نمی‌آمد. بنایراین با این تبریض بخوبی معلوم است که دین و احساس مذهبی Religious Sentiment مانند احساس هنری و ادبی و عشقی دو وجهه متمایز دارد. یک جنبه آن درونی Subjective بوده و جنبه دیگر آن جنبه بیرونی Objective است. البته معلوم است که جنبه درونی این احساس عبارت از تمایل فطری انسانی بوده و عامل بیرونی و خارجی آن قیام اثبات است که با ظهور خود احساسات مذهبی و عواطف معنوی را تحریک نموده و

آنرا به بهترین شکل و زیباترین وجه در جامعه انسانی متجلی می‌سازند. البته وقتی که احساس مذهبی را نام می‌بریم مقصود ما ایمان و بستگی مستقیم به یکی از انبیاء و یا اعتقاد به یک دین مخصوص نیست، بلکه احساس مذهبی به طور اعم می‌باشد. یعنی آن احساس مذهبی که به طور کلی شامل محبت به خداوند و اعتقاد به لزوم دخالت اراده و مشیت او در جهان طبیعت و در حوادث عالم است.

این نوع احساس در اکثر مردم حتی در دانشمندانی مانند ولتر و دیدرو که از مخالفین سو شست، آباء کلیسا بودند وجود داشته است و همچنین این احساس در متفکرین بزرگ علوم که ظاهراً خود را از طرفداران با حرارت و جدی ادیان نشان نمی‌دادند، موجود بوده است. چنانچه عالم بزرگ فیزیک عصر ما آبرت اینشتین در کتاب "جهان از نظرم" می‌نویسد به سختی می‌توان در بین مغزهای متفکر جهان کسی را یافت که دارای یکنوع احساس مذهبی مخصوص بخود نباشد؛ این مذهب با مذهب یک شخص عادی فرق دارد. ولتر می‌گوید جهان مرا حیران می‌کند من نمی‌توانم فکر کنم که این ساعت بوجود آمده و ساعت سازی نداشته است.

۳- کیفیت پیدایش ادیان

گروهی از علمای مادی معاصر معتقدات مذهبی را معلول عواملی مانند ترس و جهل داشته و گویند که بشر اولیه برای اینکه رنجهای خود را تسکین داده و قابل تحمل بسازد و در برابر قوای قهار طبیعت توانائی ایستادگی داشته باشد به خدایان متعددی قائل گردید. این تمایل به تدریج معتقدات ساده و ابتدائی را که در زبان جامعه شناسان تو تمیسم^(۱) و پولی ته ایسم گفته می‌شود بوجود آورد. به عقیده آنان همین عقاید بدوى بود که به تدریج تکامل یافته و به ادیان و مذاهب بزرگ گنوئی تبدیل گردیده است. نتیجه‌ای که از این طرز تفکر یدست آورده‌اند آنست که ادیان و مذاهب جهان به هیچوجه منشاء الهی و ماقوق طبیعی نداشته بلکه صرفاً مخلوق اندیشه و فکر بشری می‌باشند.

۱- توتم یک موجود جاندار یا بی‌جان و اغلب یک حیوان یا یک گیاهی است که افراد گروه خود را از اخلاق آن می‌پنداشتهند و افراد این قبیله خود را با هم خوشبازی می‌شمرند و سعی می‌کردهند حرکات آن حیوان را تقلید کنند و علامت خود را آن حیوان قرار دهند.

زیگموند فروید بیشتر از دیگران آین مسئله را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و نتیجه گرفت که ضعف بشری در برابر قوای قهار و قوای حیات بخش طبیعت او را وادار به اطاعت از مذاهب بدوي و خدایانی موهم و تخیالی نمود و در حقیقت این ترس و جهل بود که آبساں معتقدات مذهبی را در بشر بوجود آورده. اکنون براي اينكه اين نحوه تفکر را ارزیابی نموده و درجه صحت و سقم آن را مشخص نموده باشيم متذکر می شویم که خس بیم و امید و حیرت و خضوع اگرچه برای رشد و نمو احساسات مذهبی عامل مؤثری بشمار می رود ولکن این عوامل مؤثره هرگز نمی تواند علت بوجود آورنده آن محسوب گردد. به عبارت دیگر ترس و جهل شرط توسعه معتقدات مذهبی می تواند باشد ولی علت موجوده آن نیست.

اشتباه فروید در این است که وی علت مؤثره را به جای علت فاعلی تصویر نموده است. مثلاً "تشعشع آفتاب برای پرورش نباتات و انسان علت مؤثر می باشد ولی علت مؤلد و بوجود آورنده آن بیشتر، مثلاً" خس ترجمه و تقلید توأم با خس بیم و امید و حیرت باعث پیدایش خط و علم می باشد و هر معلمی از وجود آین استعداد برای پرورش دادن محصل خود استفاده می کند ولی آیا این شرایط دلیل بر آنست که علم و خط از روی آین شرایط بدست آمده؟ و مخلوق موهمی و ذهنی فکر بشر می باشد؟ و یا اینکه مری در پیدایش آن موقت بوده است؟ مسلماً" جواب منفی است. تکامل معتقدات مذهبی بشر نیز عیناً" مانند علم و خط یکی محصل است. یعنی تکامل خط محصل حاکی از آن است که وی بر حسب استعداد تربیت یافته است ولی آین مسئله به هیچوجه وجود معلم و واقعیت وجود مری را نمی نماید.

۴- نقش ادیان بر ترقیات تمدن‌های بشری

در مطالعه تاریخ تمدن غالباً آین مسئله پیش می آید که ادیان چه نقشی در توسعه و گسترش مظاهر تمدن داشته‌اند آیا آنها خود از تمدن‌های دیگر تأثیر گرفته‌اند و یا اینکه بعد از پیدایش خود تأثیرات شگرف و عظیمی در تمدن نوع بشر به جای گذاشده‌اند. باید خاطر نشان شاخت که ادیان الهی نه تنها بر مظاهر مختلف تمدن مانند دانش نظری و فلسفه و هنر و ادبیات و عرفان تأثیر عمیق گذاشته‌اند

بلکه بخود به وجود آورنده تمدن‌های بزرگی می‌باشد که امروزه از آنها یعنوان مدنیت‌های اسلامی و مسیحی یاد می‌شود. تأثیرات کلی و مشترک ادیان را می‌توان نیز:

۱ - تأثیرات علمی و فرهنگی مانند تکامل و توسعه دانش نظری و همچنین خلق متفکرین و فیلسوفان بزرگ در ظل این ادیان و ۲ - تأثیرات اجتماعی مانند ایجاد وحدت و اتحاد در جوامع انسانی و ایجاد نظام و عدالت اجتماعی و ۳ - تأثیرات اخلاق مانند تربیت روحانی و اخلاقی و تقویت جنبه عاطفی پسر، خلاصه نمود. هر چند هریک از ادیان و بخصوص ادیان بزرگ دارای تأثیرات خاص بر تمدن‌های بشری بوده‌اند که به آنها اشاره خواهد شد.

۱ - ۴: تأثیرات دیانت یهود:

حضرت عبدالبهاء در کتاب مستطاب مفاوضات در مورد حضرت موسی و تأثیرات تعلیمات آن حضرت می‌فرمایند قوله الاحلى: "اما حضرت موسى مدت مدیده در صحراء چوپانی می‌کرد و بظاهر شخصی بود که در خاندان ظلم پروردگر شده بود و بین ناس مشهور به قتل گشته و چوپان شده و در نزد دولت و ملت فرعون بی نهایت مبغوض و مغضوب گشته، همچنین شخصی یک ملت عظیم را از قید اسارت خلاص کرد و اقتناع نمود و از مصر بیرون آورد و با رضن مقدسه رساند و آن ملت در نهایت ذلت بودنکه به نهایت عزّت رسیدند، اسیر بودنکه آزاد گشتنکه، جاہل ترین اقوام بودنکه، عالمترین اقوام شدند از تأسیساتش به درجه رسیدند که بین جمیع ملل مفتخر شدند، صیتان به آفاق رسید، کار به جائی کشید که امم مجاوره اگر می‌خواستند کسی را ستایش کنند می‌گفتند یقیناً" این اسرائیلیست. تأسیس شریعت و قانونی کرد که ملت اسرائیل را احیاء نمود و بنها در درجه مدنیت در آن عصر رسیدند و کار به جائی رسید که حکماء یونان می‌آمدند و از فضای اسرائیل تحصیل کمالات می‌نمودند، مثل سقراط که به سوریه آمد و تعلیم وحدانیت و بقای ارواح را بعد از ممات از بنی اسرائیل گرفت و به یونان مراجعت نمود و تأسیس این تعلیم را کرد...^(۱)

و نیز درباره وحدت و اتحادی که حضرت موسی بین فرق و اسباط بنی اسرائیل به وجود آورد می‌فرمایند: "... و فرق مختلطه اسباط اسرائیلیان را در ظل کلمه واحده جامعه توحید جمیع فرموده علم

اتحاد کامل را بر اتلاف آتفاق و یگانگی برافراختند.^(۱)

۲ - ۴ تأثیرات دیانت مسیحی:

دیانت مسیحی تأثیرات عمیقی در اعتقادات دینی، در ساختار روحانی و اجتماعی تمدن یونانی و رومی و همچنین در ایجاد وحدت بین ملل مختلفه به جای گذاشت، گذشته از این تأثیرات مسیحیت را در توسعه فلسفه و دانش نظری و همچنین تکامل هنر و صنایع مستظرفه نمی‌توان انکار نمود که به هر کدام از آنها اشاره مختصه‌تری خواهد شد.

۱ - ۲ - ۴: تأثیرات مسیحیت در اعتقادات دینی:

هنگامی که امپراطوری روم مرکز دنیا شد، قدمی به شمار می‌رفته و تمامی چاده‌ها به آنجا متوجهی می‌شد، دیانت مسیح به عرصه ظهور رسید. در آن هنگام انجطاط و سستن ارکان دو ملت روم و یهود را فراگرفته بود. از نظر اعتقادات دینی، رومیان به خدايان خاصی اعتقاد داشتند و در هر کشور و شهری خدا و آئین خاصی با زندگی مردم مرتبط بودند. یهودیان هم با وجود انجام مراسم و مناسک ظاهری تورات به اصول اخلاقی توجیهی نداشتند و ثبت سلطه امپراطوری روم زندگی مشقت باری را متحمل بودند و بی‌صبرانه مترصد ظهور موعود خویش بودند. حضرت عبد البهاء در متن خصوصی فرمایند: "... مثلاً" در میان یهود در اوآخر دوره موسوی مقارن ظهور عیسی شریعة الله از میان رفت، صورتی بدون روح باقی ماند... "^(۲)

۲ - ۴: تأثیرات دیانت مسیحی در ساختار روحانی و اجتماعی:

هر چند پس از اظهار امر حضرت عیسی بادهای مخالف به سوی حضرت مسیح و حواریون به ورش در آمد که در نهایت متعجر به مصلوب شدن حضرت مسیح گشتبولی به هر حال آتش امر الهی تحاموش تگشته بلکه روز به روز گسترش یافت. به طوری که تغییرات بیادی در ساختار اجتماعی و روحانی تمدن یونانی و رومی به جانهاد و پس از استقرار مسیحیت، رواج امور روحانی در تمدن یونان و

روم مشاهده گردید و مسیحیت خود را بطبی ما بین تمدن‌های یونانی و رومی و تمدن‌های پس از خود گردید و در ساختار تمدن‌های جدید نقش فعال و پویای خود را به اثبات رسانید.

۳ - ۲ - ۴: نقش مسیحیت در ایجاد وحدت بین ملل مختلفه:

حضرت عبدالبهاء در این خصوص می‌فرمایند: "... حضرت مسیح فردا" و «خیدا» عَلَمِ صلح و اصلاح را بلند فرمود. حال آنکه جمیع دول قاهره با جمیع جنود در این کار عاجزند. ملاحظه کن چقدر از دول و ملل مختلفه بودند مثل روم، فرانسه و آلمان و روس و انگلیز و سائرین، کل در زیر یک خیمه درآمدند، مقصده اینست که ظهور حضرت مسیح به اموری موفق شد که جمیع ملوک ارض عاجز بودند به جهت اینکه ملل مختلفه را متحد کرد و عادات قدیمه را تغییر داد. ملاحظه کنید میان رومان و یونان و سریان و مصریان و فنیکیان و اسرائیلیان و سائر ملل اروپ چقدر اختلاف بود. حضرت مسیح این اختلافات را زائل کرد، مسیح سببِ حبّ میان جمیع این قبائل شد..."^(۱)

۴ - ۲ - ۴: تأثیر مسیحیت در توسعه فلسفه و دانش نظری:

اگر چه مسیحیت به اندازه اسلام تأثیری در ایجاد و پرورش فلاسفه و گسترش فلسفه نداشته است، ولی برخی از متفکرین مسیحی بر خلاف نظریات کلیسا سعی تموذنده که وارد مسائل فلسفی گشته و آنرا توسعه و تکامل بخشدند و علی رغم نوشته‌های پولس که فلسفه را عالم شیطانی^(۲) می‌دانست و مسیحیان را از قبیل و قال فلسفی بر حذر می‌داشت کوشیدند که اعتقادات کلیسائی را با مباحثین فلسفی التیام دهند. اگر چه تعداد این نوع فلاسفه کثیر است ولی آنها که بیشتر از دیگران کوشش و مجاهدت نموده‌اند و نقش مؤثرتری را داشته‌اند فلاسفه‌ای مانند سنت توماس اکوئین و سنت اگوستین و سنت آنسلم می‌باشد.

سنت توماس بزرگترین حکیم قرون وسطی و مظہر کامل حکمت اسکولاستیک است. وی حکمت مشاء را که متعلق به ارسطو است اختیار نموده و آن را با تعالیم انجیل تطبیق داده عقیده داشت

۱- مفاوضات، ص ۵

۲- انجیل رساله‌های پولس به کلیسای کولسیان، باب دوم.

که فلسفه باید خدمتگذار دین باشد و چون ارسسطو پیشو اسپاه عیسی مسیح است پس حکمت مسیح همان فلسفه ارسسطو می باشد.

سنت اگوستین که از ادبای مشهور روم به شمار می رود بزرگترین فیلسوف مسیحی است که حکمت افلاطونی را با تعالیم مسیح ترکیب نموده و فلسفه نوینی بوجود آورد.

سنت آنسلم در منش فلسفی هم آواز سنت اگوستین بود و به همین علت او را اگوستین دوم لقب داده اند. وی معتقد بود که اول باید به حقائق دینی ایمان آورد و سپس درباره آنها تعقل نمود. اما می گوید تعقل در مسائل دینی لازم است چون حقائق دینی و مذهبی با عقل مخالفت ندارد.

۵ - ۲ - ۴: تأثیر مسیحیت در تکامل هنر:

مسیحیت تأثیر بسیاری در گسترش و تکامل هنر بخصوص نقاشی، مجسمه سازی، معماری و ادبیات داشته است. هنری که ادیان تکامل بخشیده اند، در حقیقت نمایشگر (وحدت در تنوع) بوده است. حقیقتی واحد در امثال و اشکال مختلف هنری جلوه و بروز نموده است.

تأثیر مسیحیت بخصوص در نقاشی و مجسمه سازی انکارناپذیر است و نتیجه این تأثیر ان بود که اروپا مهد هنر و بخصوص هنر تصویری گردید. کلیسا در حقیقت مهد جمیع علوم و معارف و هنر گردید و نقاشان و مجسمه سازان و معماران کوشش نمودند که شاهکارهای هنری خود را در بنای کلیساها و نمازخانه ها بوجود آورند، در عهد بیزانس تلاش های مهمی در زمینه هنر نقاشی و مجسمه سازی بوجود آمد و ترقی و تکامل تازه ای در این هنرها آغاز شد. بطوری که مجسمه سازی و پیکر تراشی که در گذشته به فرمول و سبک یونانی و رومی ساخته می شد در این دوره مدل تازه ای به خود گرفت.

۳ - ۴: تأثیرات دیانت اسلام

حضرت عبدالیه در کتاب مستطاب مفاوضات می فرمایند قوله الاحلى: "... جمع غیری از امم شرقی هزار و سیصد سال در ظل شریعت محمدیه تربیت و در قرون وسطی که اروپا در نهایت درجه تحشی بودند، قوم عرب در علوم و صنایع و ریاضیات و مدنیت و سیاست و سائنس فنون بر سائر ملل عالم تقوی داشتند محرك و مرئی قبائل بادیه العرب و مؤسس مدنیت کمالات انسانیه در میان آن

طوائف مختلفه یک شخص امّی یعنی حضرت محمد بود آیا این شخص محترم مریّ کل بود یا نه؟
انصاف لازم است."(۱)

در دوران قرون وسطی، در قرن هفتم میلادی، هنگامیکه در عربستان، اعتقاد به تعدد خدایان نزد اعراب وجود داشت و اقوام و قبائل عرب هر یک خدای خاصی را پرستش می نمودند و بین قبائل و اقوام عرب نفاق و دشمنی که ریشه مذهبی داشت و منجر به جنگ و سیز در بیشتر اوقات می شد و اروپا هم در مرحله تاریکی تاریخ خویش به سرمی بردا، حضرت محمد در عربستان اظهار امر فرمود. ظهور دیانت اسلام، دستاوردهای عظیمی را به ارمغان آورد از جمله تشکیل وحدت و انسجام بین قبائل بود که مرهون اعتقاد به خدای واحد بود و نیز در اثر گسترش اسلام به خارج از عربستان و تماس با فرهنگهای دیگر روحی تازه در کالبد تمدن بشری دمیده شنید، اندیشمندان اسلام در تحول و گسترش دانش بشری در شاخه‌های مختلف مانند فلسفه، طب، ریاضیات، نجوم نیز سهم بسزائی داشته‌اند.

۱ - ۳ - ۴: تأثیر دیانت اسلام در وحدت و اتحاد بین مسلمین:

اقوام و طوائف متوجهه اقلیم حجاز قبل از ایمان به حضرت محمد و دیانت مقدس اسلام جاہل‌ترین اقوام و متوجه‌ترین طوائف عالم بودند. جنگ و سیز و اختلاف و شقاوت آنها در تمامی کتب تاریخی مذکور است. ولی با ظهور دیانت اسلام وحدت و اتحادی بین آنان بوجود آمد که قبل از آن سایقه نداشت. در کتاب تاریخ بزرگ جهان چنین می‌خوانیم: "... اسلام مردم شتریان و راهزنان بادیه عربستان را به اوج ترقی رسانید... در بادی امر بنظر دشوار می‌آید که دینی قادر باشد افرادی تا بدین حد بد و یاغی و سرکش و خشن را که همواره دچار جنگهای قبیله‌ای بودند و جز غارت و کشتار همدیگر هنری نداشتند، رام کند و به سامان آورد... اسلام تنها به آوردن دینی برای اعراب اکتفا نکرد بلکه مسلمانان را گرد هم آورد و پیش از اسلام هرگز دولتی عربی وجود نداشته است."(۲)

۲ - ۳ - ۴: نقش اندیشمندان اسلام در تحول و گسترش دانش نظری:

بعد از مکتب یوتان و اسکندریه، سومین حوزه علمی که در جهان قدیم بوجود آمد و خدماتی

۲- تاریخ بزرگ جهان گریمبرگ، جلد ۴، صفحات ۳۳ و ۳۴

۱- مفاوضات، ص ۱۹

در خشانی در توسعه دانش نظری و فلسفه نمود مکتب بغداد بود که به همت خلفای عباسی و به کوشش چهارمین خلیفه عباسی، عباس اول بن عباس، تأسیس شد. این مکتب فلسفی در تاریخ پیش از این نظر باشد که فلاسفه آن توanstند فلسفه یونان را گرفته و به نقاط دیگر جهان انتقال دهند. مکتب اسلامی به حقیقت مانند پلی میان حکمت یونان و اروپا قرار گرفته فلسفه و حکمت را از جهان قدیم یعنی یونان و روم به اروپا انتقال داد.

بسیاری از محققین غربی و متفکرین شرقی نقش ارزشمندان اسلام را در انتقال معارف شرق به جهان غرب ستدند. چنانچه "پیر روسو" در تاریخ علوم می‌نویسد: "بدون شبک علمی بنام علم عرب وجود ندارد و ما هیچ تصوری جدید را مدیون بغداد نمی‌شناسیم با این حال اگر آنان فقط اکتفا به این کرده بودند که قسمتی از ثروت دنیاقدیم را از مهلکه نجات دهند ما ممکن است فوق العاده نسبت به آنان حق شناس باشیم. اما ایشان غیر از این مقدار زیادی نیز بر این ثروت افزودند." همچنین مسلمانان از طریق فلسفه نو افلاطونی حوزه اسکندریه با فلسفه افلاطون و ارسطو آشنا شدند و بیشتر کتابهای فلسفی یونان و اسکندریه را ترجمه کردند خود نیز به تحقیق و کنکاش پیرامون مسائل فلسفی پرداختند و آثار فلاسفه‌ای چون ابن سینا، کندی، ابن زیند بعد از آنها در اروپا ترجمه شد. به طوری که نفوذ ابن سینا در اروپا به قدری زیاد بود که برخی از محققین نظیر هائزی کریم اعتماد دارند که در قرون وسطی مکتبی بنام "ابن سیناگری" بوجود آمده بود و نیز در مورد ابن رشد معتقدند که تقریباً اکثر آثار "ابن رشد" در زمینه فلسفه و مهندسی و پژوهشگری و غیره تا اواسط قرن سیزدهم میلادی به لاتینی ترجمه شده و در اینجا شایع گشته بود.

۳ - ۴: نقش دانشمندان اسلامی در تکامل علوم و فنون مبتدا و مبتدا

مسلمانان در اثر فتوحاتی که به دست آوردن سرزمین‌های بسیاری را به تصرف در آورده و در آن سرزمین‌ها تمدن باشکوهی را ایجاد نمودند که یکی از سرزمین‌ها، اسپانیا (اندلس) می‌باشد و در آنجا اروپائیان بسیاری از فرهنگ و معارف مسلمانان را اقتباس نمودند. در این خصوص حضرت عیاد الباه می‌فرمایند: "... در اعصار اولیه اسلام جمیع طوائف اروپ اکتساب فضائل و معارف مدنیت را از اسلام ساکنین ممالک اندلس می‌نمودند و اگر در کتب تواریخیه از جمیع دقت شود میرهن و واضح

گردد که اکثر تمدن اروپ مقتبس از اسلام است...”^(۱)

پادشاهان اندلس مدارس متوسطه و دانشگاههای بزرگی بنا نهادند که از بسیاری از ممالک اروپا اطفال بزرگان به این مدارس آمده و سرانجام در دانشگاههایی که دارای قسمتهای مختلف فلک‌شناسی و ریاضیات و طب بود هزاران دانشجو تحصیل می‌نمودند.

یکی دیگر از مناطقی که از طریق آن تمدن و فرهنگ اسلامی به اروپا راه یافت جزیره سیسیل در جنوب ایتالیا می‌باشد، مسلمانان در قرن دهم میلادی سیسیل را تصرف نمودند و حدود دو قرن در آن منطقه سکنی گزیدند. یکی از محققین می‌نویسد: "... صنعت سیسیل نیز همچون زراعت آن در نتیجه مساعی مسلمانان از حالت رکود و سکون خارج شد و رو به رشد و ترقی نهاد. مسلمانان در استخراج صنایع معدنی چون طلا، نقره، مس، گوگرد، جیوه و غیره از تبحر خاصی برخوردار بودند آنها را با اصول و قواعد صحیح استخراج می‌کردند... و تجارت سیسیل که قبل از اعراب به درجه صفر بود نهایت درجه وسعت پیدا نمود."^(۲)

یکی دیگر از رویدادهایی که منجر به انتقال فرهنگی مسلمانان به اروپائیان گردید جنگهای صلیبی می‌باشد و علت عمدۀ آنرا شاید بتوان طولانی شدن جنگها دانست زیرا کینه و دشمنی علی رغم تحریک علمای مسیحی کاهش یافت در خصوص جنگهای صلیبی و تأثیر فرهنگ اسلام در اروپا حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "... و در این محاربات که به حرب صلیبیون مشهور، کروها از نفوس تلف شد. خلاصه از ابتدای تاریخ چهار صد و نود هجری تا سنه شصتصد و نود و سه هجری متصل" از اروپ ملوک و سرداران به بریه الشام و مصر تردد نمودند و چون عاقبت جمیع مراجعت نمودند در مدت دویست سال و کسری آنچه از سیاست و مدنیت و معارف و مدارس و مکاتب و عادات و رسوم مستحسنۀ ممالک اسلامیه مشاهده کردند بعد المراجعه در اروپ تأسیس نمودند مبدء تمدن اروپ از آن زمانست.^(۳)

بسیاری از محققین و مورخین غربی به این واقعیت تاریخی اعتراف نموده‌اند و در این باره می‌نویسنده: "... قلعه‌های متعدد مرکز که در زمان ادوار داول در انگلستان معمول گردید از روی مهندسی

۲- تمدن اسلام و حرب گوستاد لویون، ص ۳۸۷

۱- رساله مدنیه، ص ۱۰۶

۳- رساله مدنیه، ص ۱۰۸

نظامی لاتین‌های اورشلیم برپا شده و لاتین‌های اورشلیم تیز به نوبه خود آنرا از اعراب آموخته بودند.^(۱) و نیز می‌نویستند: "... یکی از صلیبیون هنگام بازگشت از کشورهای اسلامی همراه خود معلوماتی در مورد مغناطیس و قطب نما به فرانسه می‌آورد."^(۲) و در باره اقتباس اروپائیان از طب اسلامی می‌نویستند: "... طب اروپائیان آن عصر در قبال طب اسلامی پقدار و حشیانه بوده است..."^(۳) و نیز می‌نویستند "... اطبای مسیحی در جنگهای صلیبی از شیوه مختلف علمی معالجه بیماران توسط پزشکان اسلامی نیز درس‌های فراوانی گرفتند و حتی در زمینه عملهای جراحی نیز استفاده شایانی برداشتند.^(۴)

خاتمه مقال:

مسیر تکامل و تعالی تمدن نوع بشر در شاهراه زمان از بذابت ناپیدای خود تا عصر حاضر بسیار پر پیچ و خم و همراه با ناملایمات و رنجهای بسیار طی گشته است و در این اعتلاء، نقش ادبیان الهی و مظاهر ظهور غیر قابل انکار می‌باشد، نفوس بسیاری در تکامل نوع انسان از لحاظ اخلاقی، روحانی و اجتماعی کوشش نموده‌اند و ثمرات این مجاهدت‌ها و تلاشها اکنون به دست ما رسیده است. چه ناسپاس خواهیم بود اگر سهم گذشتگان خویش را در میراث کنونی کم انگاریم و یا قدمی فراخور خویش در راه این اعتلاء و تکامل برنداریم. یکی از شرایط گام گذاردن در این راه شناخت وضعیت کنونی جامعه انسانی و موقعیت عالم بهائی و وظائف خویش در این عصر می‌باشد. در قسمت بعد سعی خواهد شد به این مهم نائل گردیم.

۱- فرهنگ اسلام در اروپا، زیگریند هوتفک، ص ۸۲ ج ۲

۲- تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۴، ۸۲۰

۱- میراث اسلام، مقاله ارنست باگر، ص ۱۶

۲- تاریخ طب اسلامی ادوارد براون، ص ۴۰۶

"عالم منقلب است و انقلابات او یوماً فیوماً" در تزايد و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجه و این فقره شدّت خواهد نمود و زیاد خواهد شد بشانی که ذکر آن حال مقتضی نه..."

"حضرت بهاءالله"

تحولات عمیق و وسیع جوامع انسانی به کمک تکنولوژی پیشرفته عصر حاضر ما را به مرحله حساس و خطیری از حیات نوع انسان برگره خاک وارد ساخته است که طی آن سرنوشت جهان ما، تمدن ما و مسیر زندگی ما قطعاً تعیین می‌شود. وظیفه ما به عنوان افرادی که بنا بر مشیت غالبه الهی رسالت تلاش در راه استقرار وحدت عالم انسانی و سلطنت قاهره الهی را بر دوش داریم حکم می‌کند که وضعیت کنونی عالم انسانی را به خوبی بشناسیم. علل و دامنه بلیّات عالم را درک نموده و بدانیم آنچه که در زمان حال اتفاق می‌افتد وقایعی تصادفی، منفرد، بی نتیجه و مقصد نیست. با آگاهی بر این مسائل موقعیت جامعه جهانی بهائی را در شرایط کنونی عالم مد نظر داشته، به عنوان جوانان مهد امرالله نقش و تأثیر وقایع اخیر ایران و ظایف خویش را در این ایام مورد توجه دقیق قرار دهیم.

محورهای این فصل عبارتند از:

اهداف این فصل: (بعد از گذرانیدن این درس بایستی قادر باشم)

"این زمان تیره‌ترین ساعات پیش از دمیدن روز است."

(معهد اعلی)

۱- وضعیت کنونی عالم انسانی

"اکنون طوفانی که شدّتش بی‌سابقه، مسیرش ناشناخته، اثرات فعلی آن مصیبت بار و نتایج غایی آن به نحو غیر قابل تصویری پر مجد و شکوه می‌باشد بر سطح کره خاک در حرکت است. قوّه مخربه آن بی‌رحمانه وسعت و شدت می‌یابد و نیزی تطهیر کننده‌ای هیچ‌هر چند محسوس نیست روز بروز پر توانتر می‌گردد. عالم بشری در پنجۀ قوّه مخربه‌اش کرفتار و به خسارات خشم تهارش، دچار نه مو، تواند منشاء آنرا درک کند و نه قادر است به اهمیت آن پی برد و عواقب آن را دریابد، پریشان و دردمند و درمانده

بدین شند باد غصب الهی می نگرد که تا دورترین و منزوی ترین نقاط جهان حمله اورده، بنیانها را می لرزاند، تعادلها را در هم می ریزد، ملت‌ها را تجزیه می کند، خانمانها را منهدم می سازد، شهرها را ویران می نماید، پادشاهان را به جلای وطن مجبور می سازد، حصارها را فرو می ریزد، نهادها را از بین و بن می کند، عالم را تیره و تار می سازد و اهل زمین را پریش و غمین می گرداند.^(۱)

چنین طوفان بی سابقه‌ای که حال بر سطح کره خاک در حال حرکت است و هر آن نیز نیروی آن وسعت و شدت خواهد گرفت بر تمامی مبادی اساسیه نظم جهان و روابط جامعه و افراد و ملل حاکم گشته است و بر کلیه شئون فردی و اجتماعی نوع بشر اثرات محسوس و غیر قابل انکار گذارده است، معهد اعلی در پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰ چنین می فرمایند:

"مبادی اساسیه نظم جهان را مکائد سیاسیه زمامداران داغ بطلان نهاده و حرص و آز و ریا و تزویر و ظلم و خود پرستی بر روابط جامعه و بین افراد و ملل حاکم گشته است. اکتشافات و اختراعات که ثمره تقدم علوم و صنایع است، آلات و وسائل دمار و انهدام عمومی را فراهم آورده و بدست نااهل افتاده است. حتی موسیقی و هنر و ادبیات که باید نماینده و هادی عواطف رقیقه عالیه و وسیله تلطیف و تسکین روح افسرده انسانی گردد، حال آئینه قلوب تیره این نسل سرگردان و لاابالی و بی سر و سامان شدو و از صراط مستقیم انحراف جسته است. و امثال این انحرافات سبب گردد که به فرموده جمال مبارک "هر یوم بلای جدیدی ارض را اخذ نماید و فتنه تازه بر پاشود" و "سُوْفَ تَحْرُقُ الْمُدْنُ مِنْ نَارِه" تحقق یابد.^(۲)

خصوصیات برجسته جامعه‌ای منحط و فاسد، جامعه‌ای که به فرموده حضرت ولی امرالله یابد یا دوباره تولد یابد و یا محظ و نابود گردد از قلم توانای حضرتش چنین توصیف شده است: "رواج مجدد تعصّب مذهبی، خصومت نژادی، غرور وطن پرستی، ازدیاد روز افزون علائم و شواهد خود خواهی، بدگمانی، خوف و ناراستی، شیوع قتل نفس و قانون شکنی، میگساری و جنایت، عطش سیرآب تشدی و تعلق شدید به امور بی ارزش و ثروت ولذت دنیوی، تضعیف علائق خانوادگی تزلزل سلطه والدین، انهماک در لذائذ جسمانی، عدم مسئولیت در ازدواج و بالنتیجه رواج

۱- از توقیعات حضرت ولی امرالله، صفحه ۱۰، حال و آینده جهان

۲- حال و آینده جهان، ص ۲۰

روز افزون طلاق، انحطاط هنر و موسیقی، تدنی ادبیات، فساد مطبوعات، بسط نفوذ کسانی که ازدواج آزمایشی را حمایت می‌کنند، فلسفه برهنگی را موعظه می‌نمایند، حجب و حیا را افسانه می‌پنداشند و از قبول این حقیقت امتناع می‌ورزند که تولید نسل نخستین هدف مقدس ازدواج بشمار می‌رود و آنانکه دین را به عنوان افیون جامعه به کنار می‌نهند و اگر عنان اختیار را بدست گیرند نسل بشر را به بربریت و هرج و مرج و بالمال به نابودی و اضمحلال می‌کشانند، چنین است خصوصیات بر جسته جامعه‌ای منحط و فاسد، جامعه‌ای که باید یا دوباره تولد یابد و یا محو و نابود گردد...»^(۱) اینکه سوالی که پیش می‌آید اینست: «این بلایات و طوفان بی شaque به چه علل بر بشر وارد گشته است و دامنه این بلایات تا به چه حد است» در سطور بعدی سعی خواهد شد این مسئله مورد توجه قرار گیرد.

مصادیق این بلایا از خلال اخبار	نهرستی از بلایای مختلفه‌ای که بر طبق بیانات مبارکه عالیم را احاطه نموده

۳- علل و دامنه بیلیات عالم

در چنین حال پر و بالی که اهل عالم پریشان و دانایان امّم در چاره آلام جهان حیرانند، اهل بهاء به برکت و هدایت آثار مقدسه یقین دارند که این وقایع مذهبی را هر یک علتی و معنائی و تیجه‌ای است.

پیام ۱۰ نوریه ۱۹۸۰

حضرت بهاءالله بنفسه المهمین اینگونه ندای انذارآمیز خود را خطاب به عالمیان بیان داشته‌اند: "ای مردمان، خود را برای یوم عدل الٰی آهاده کنید زیرا روز موعد فرا رسیده است" (ترجمه). آنچه دارید بگذارید و آنچه را که خداوند مالک رقاب آورده است محکم بگیرید، به یقین بدانید اگر از راهی که رفت‌اید برگردید عذاب لازم جمیع جهات شما را احاطه خواهد کرد و امور از آنچه قبلًا دیده‌اید سخت‌تر خواهد شد.^(۱) (ترجمه)

و در جای دیگر می‌فرماید:

"ای مردمان برای شما میقات تعیین کرده‌ایم. اگر در میقات معین از توجه به حق قصور ورزید خداوند شما را در قبضه قدرت خود خواهد گرفت و لازم جمیع جهات عذاب ایم شما را معدّب خواهد ساخت." (ترجمه)

حضرت ولی امرالله اینگونه علل و نتایج این جریان را تبیین می‌فرمایند: "این کیفر الٰی به نظر کسانی که حضرت بهاءالله را به عنوان منلای حق و اعظم ظهور رحمانی بر کره خاک منشناست هم به منزله مصیبتی جزا دهنده بشمار می‌رود و هم تأدیبی تطهیر کننده محسوب می‌شود. از یک سو مجازاتی خدائی است و از سوی دیگر جریانی طهارت بخش برای کافه عالم انسانی، نارش شرور و مفاسد نوع بشر را کیفر می‌دهد و اجزای مرکب‌هه عالم انسانی را در قالب جامعه‌ای متسلک تجزیه‌ناپذیر و جهان شمول تلفیق می‌بخشد."^(۲)

غفلت و اعراض ناس از ندای حق و بالنتیجه اعمال نالایقه ایشان از علی اصلی ظهور بلایای مختلفه در ارض است شارع مقدس این امر نازنین چنین می‌فرمایند:

"اگر اهل ارض فی الجمله تفکر کنند ادراک می‌نمایند که مصلحت کل کاھرا و باطننا توجه به

حق جل جلاله بوده و هست. غفلت عباد و اعمال باطله ایشان به صور بلایای مُختلطه ظاهر شده و ارض را احاطه کرده، نظر بما قدر من القلم الاعلى این جهات رانار حروب و دخان بلايا اخذ نموده و آن شعله در بلاد ایران مستور است و البته این ستر را ظهور و بروزی از پی، مگر به ملاحظه نفوس مقدسه ثابت راسخه مطمئنه مستقیمه، بلایای کبری و رزایای عظمی منع شود إله على كل شئ قادر و لکن آنچه از قلم اعلی نازل اکثری ظاهر و مشهود.^(۱)

آیا ظهور این بلیّات و آفات فقط متوّجه افراد و یا قوم و مملکتی خاص است؟ معهد اعلی در پیام

۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸ چنین می فرمایند:

"گمان مبرید که ظهور این بلیّات و آفات فقط متوّجه جامعه‌ای یا مملکتی است، بل اهل عالم که متجاوز از یکصد و سی سال از اجابت ندای حضرت ذوالجلال محروم و در کابوس اوهام و غرور مستغرق و به هرج و مرج در جمیع شون مبتلا جزائاً لغفلتِهم واستکبارِهم به عذابی الیم و عقابی عظیم محکوم". و همچنین در همان دستخط منع می فرمایند:

"ای پروردگان مهد هدایت کبری، عالم امکان منقلب است و اهل عالم هر آن به مصیبت و بلایی چدید گرفتار. آتش فتنه در جهان برپاست، گاهی بر خاور زند و گهی بر دامن باختر آویزد، زمانی در کشوری شعله زند و وقتی قوم و قبیله‌ای را در کام کشد. خلق بیچاره ندانند که این آتش از کجا خیزد چه که ابصار اهل ضلال از دود غفلت و استکبار مرmod است و راه چاره تزدشان متفقود، لهذا مضطربین و پریشان و مایوسند و سرگردان..."

در میان آتش بلایا و طوفان انقلابات اهل بھاء بخوبی می دانند که این طوفان پر تلاطم از کجا آمده و به کجا منتهی خواهد شد، از هدف و جهت آن بخوبی آگاهند و به ضرورت آن اعتراف می کنند، تنها نظاره‌گر آن نخواهند بود بلکه برای تخفیف آن مشتاقانه دعا می کنند و با خردمندی و درایت برای تسکین قهرش تلاش می ورزند و با بصیرتی روشن افول بیم و هراسها و طلوع امیدها را انتظار می کشند. با توجه به تمام این جواب است که اعتقاد دارند "آنچه واقع شده و می شود وقایعی تصادفی، متفرد، بی نتیجه و مقصد نیست" بلکه ید غیبی الهی هدف و جهت عالم را مشخص نموده و آن را بسوی سرنوشت محتم و عصر طلائی تحقق آمال و آرزوی پیشینیان و انبیاء و اولیاء هدایت می نمایند.

۲- هدف و جهت عالم:

"ید غیبی در کار است و انقلابات ارض مقدمه"

- اعلان شریعت پروردگار -

معهد اعلیٰ ذریکن از دستخطهای خویش چنین می‌فرمایند:

"اینک اغتشاش و آشوب جهانی رو به پایان ندارد. بلکه با گذشت ایام فروتنی می‌گیرد و رجال و نساء ایمان خود را به علاجهای بشری از دست می‌دهند. اندک اندک این حقیقت جلوه گر می‌شود که "ملجایی جز خداوند" وجود ندارد. این همان فرصت طلائی است. مردم مشتاقند و در بعضی مناطق بسیار راغبند که به علاجهای روحانی گوش بسپارند."

اتحاد و وحدت نوع پیشرکه در طی قرون و اعصار متمامی مقصد نهائی حیات اجتماعی بشمار می‌رفت و با اتحاد خانواده شروع گشته است بر طبق وعده‌های صریحه شارع مقدس این امر نازین و مرکز عهد و پیمان و ولی عزیز امرش بالمال در کره ارض استقرار خواهد یافت.

حضرت ولی امرالله در توقع نظم جهانی بهائی این چنین هدف و جهت عالم را در استقرار چنین اتحادی معین فرموده‌اند:

"اتحاد اهل عالم درخشانترین مرحله‌ایست که حال جامعه انسان رو به آن روان است. اتحاد خانواده، اتحاد دولت شهر و اتحاد ملی مراحلی است که بشر آن را پیموده و با موفقیت پشت سر گذاشته است و امروز اتحاد جهان است که هدف و مقصد بشر سرگردان است. دوره ملت سازی سپری گردید، و هرج و مرچی که از ایجاد دولتها ملی مختلف ناشی شده به اعلیٰ درجه خود نزدیک می‌شود. لهذا جهانی که به بلوغ می‌رسد باید خود را از شرایین بتبرهاند و وحدت و یگانگی جمیع روابط انسانی را قبول کند و یکباره دستگاهی را برآه اندازد که این اصل اصیل وحدت را در آن تجسم بخشد."

وقوع این آخرین مرحله تکامل اجتماعی نوع بشر بر طبق اراده الهی با وقایع و حوادثی همراه خواهد بود که یقیناً مقدمات چنین تحول بزرگی خواهد بود. در مجموعه حال و آینده جهان این چنین از قلم مولای توانا ولی امر الهی آمده است:

"اراده الهی جز این نیست که به ترتیبی که تنها خود بر آن واقف است و تنها خود می‌تواند آنرا

ممکن سازد، عصر ذهبی یعنی عصر عظیم عالم انسانی برای بشریتی که مذہاست از هم منقسم و زمانی دراز است به مصائب و بلایا مبتلا است تحقق بخشد. اوضاع عکنوی دنیا و آینده نزدیک آن تاریک است و به نحوی غم انگیز تاریک است ولکن آینده دور آن مشعشع است."

۱ - شواهد این مطلب که: "اندک اندک این حقیقت جلوه‌گر می‌شود که ملجانی جز خداوند

وجود ندارد" کدامند؟

۴- موقعیت جامعهٔ بهائی در شرایط کنونیٰ عالم

بهتر اینست که بدوا "از وضعی ظاهری و تعداد افراد و جوامع و توسعه امر از آغاز پیدایش آن سخن به میان آید. گرچه آمار قطعی در دست نیست ولی ظاهراً" متجاوز از سه تا چهار میلیون بهائی در سراسر دنیا وجود دارد که نیمی از آن در دو کشور پر جمعیت ایران و هندوستان بسر می‌برند. چنانچه طبیعت و طریقه رشد جامعهٔ بهائی را مورد نظر قرار دهیم به اهمیت قابل ملاحظه توسعه مؤسسات آن واقع خواهیم شد. باید قبول کرد که مؤسسات دیانت بهائی گسترش فوق العاده پیدا کرده است. امروز بالغ بر سی هزار محفل روحانی محلی در سراسر دنیا انتخاب شده و به خدمت مشغول است. این محافل در بیش از دویست کشور مستقل و سرزمینهای اصلی تشکیل گردیده است. تعداد مرکزی که افراد و یا جمعیت‌های بهائی در آن ساکنند از مرز یکصد هزار گذشته است. به موجب برآورد مرکز بین‌المللی بهائی اعضاء جامعهٔ بهائی متعلق به بیش از دو هزار قبیله و اقلیت‌های قومی می‌باشند که بسیاری از آنان در نقاط دور افتاده جهان مثل جزائر اقیانوس کبیر، قارگاه‌های قطبی، دهات واقع در قلب جنگلها و کوههای بلند زیست می‌نمایند. یکصد و چهل و سه محفل روحانی ملی به منظور آموزش و تشکیل این جامعه بغایت متنوع که اداره امورش در اختیار آنان گذاشته شده تاکنون به ترجمة آثار و کتب بهائی به بیش از شصصد و شصت زبان و لغت مختلف موفق گردیده‌اند.

اینکه جامعهٔ نسبتاً "کوچک مذهبی در مراحل اولیه حیات خود بصورت اجتماعی جهانی و بین‌المللی در آمده و به غایت گسترش یافته و به شدت مشکل شده است موقعیتی بسیار قابل ملاحظه بشمار می‌رود. می‌توان گفت که جامعهٔ بهائی مشابه این موقعیت را در کسب اعتبار نزد مقامات کشوری و مؤسسات دولتی بسیاری از ممالک جهان نیز بدست آورده است. صرفنظر از عدم قبول "بعض کشورها" و مؤسسات حاکمه آن، جامعهٔ بهائی هوشیارانه و از روی تأمل و تدبیر روابط دوستانه و نزدیکی را با مقامات دولتها به عنوان بخشی از رشد و توسعه کلی خود برقرار نموده است. با فعالیتهای مداوم در انجام اهداف یک رشته از نقشه‌های جهانی به منظور توسعه و پیشرفت جامعه، محافل روحانی در سطح ملی و محلی در بسیاری از کشورهای جهان که امر در آن استقرار یافته قانوناً" به ثبت رسیده و شخصیت حقوقی یافته است. مراسم عقد ازدواج بهائی در بسیاری از مراجع کشوری نقاط مختلف جهان به رسمیت شناخته شده و ایام متبرکه و محترمة بهائی به تدریج در مؤسسات تجاری، مدارس و ادارات

دولتی بعضاً رعایت می‌گردد."^(۱)

گذشته از رشد و توسعه مؤسسه‌ات و دوایر امریه اقبال و تسجیل نفوذ در اقطار مختلفه عالم از بشارات روح بخشی است که در طی پیام‌های بیت العدل اعظم الهی به چشم می‌خورد. در پیام رضوان ۱۹۸۹ می‌فرمایند: "گزارش‌های واصله حاکمی از تسجیل قریب به نیم میلیون نفر مقبلین جدید در این مدت قلیل است..." و در پیام ۱۹۹۰ این بشارت را به اهل بهاء می‌دهند: "طی دو سال گذشته تقریباً یک میلیون نفر به امر الهی اقبال نموده‌اند از دیاد مواردی در نقاط مختلف جهان که مصادق دخول افواج مُؤمنین به شریعة حضرت رب العالمین است و سبب افزایش عدد مقبلین گشته، ما را متوجه بشارات امید بخش حضرت ولی عزیز امرالله می‌شازد که مبنای پیش بینی امکانات درخشنان آینده در میادین تبلیغ و انتشار امر الهی است. چه که به صوریخ بیان می‌فرمایند: «دخل افواج مقبلین از ملل و اجناس و قوع یک سلسله اتفاقات عظیمه و محتملاً» حادث مثبتت بارگه حال به زحمت می‌توان آن را تشخیص داد نگهان مقدراتی امیر را لگرگون نموده نظم عالم را مضطرب ساخته و عدد مُؤمنین و قدرت هادی و روحانی امر حضرت بهاءالله را هزار برابر خواهد نمود. "شواهد و آثار حاکم آنست که اقبال گروههای عظیم برای دخول به شریعة الهی از قریه به قریه و از شهر به شهر و از کشور به کشور سرایت و توسعه خواهد یافته..."

موقعیت جامعه جهانی بهائی از دیدگاه کنفرانس‌های برگزار شده:

۵- نقش و تأثیر وقایع اخیر ایران

”دُوستان معنوی ایران، تمام عالم امر به وجود شماها افتخار می‌کنند، حقیقتاً“ بیاران ایران مبداء حرکت و مرکز حرارت هستند.“

معهد اعلیٰ

افتتان و بلایای واردہ بر احبابی ایران گرچه بهای سنگین و رنج آوری در قبال آن پرداخت گردید، ولی نتایجی بس مفید برای جامعه بهائی بیار آورد و توجه عمیق جهانیان را به فعالیت هائی که در جهت تخفیف آلام بهائیان بعمل آمد جلب نمود و باعث آگاهی جمع کثیری از مقامات دولتی، دانشگاهیان، وسائل ارتباط جمعی و جمهور ناس از ماهیّت دیانت بهائی و اهداف و تعالیم آن گردید و این آگاهی به حقیقت قضایا موجب آن شد که روحیّة صلح طلبانه و مشخصه پیشو و جامعه بهائی بخوبی واضح و روشن شود. قیام دسته جمعی بهائیان خارج از ایران در حمایت و دفاع از همکیشان خود... بدون شک اثری عظیم در استحکام امر و همبستگی اعضاء تنوع و مختلف آن داشته است.^(۱)

وقایع اخیر ایران از نقطه نظر تأثیرات خاص خویش در پیشرفت امر مبارک از یک سو و وصول احبابی عزیز ایران به مقامی شامخ و پیشی که در اثیر استقامت آن عزیزان حاصل گشیت از سوی دیگران قابل بررسی و تعمّق است. در مورد تأثیرات استقامت احبابی ایران بر پیشرفت امر مبارک در موارد متعدد بیت العدل اعظم شواهد فراوانی را آورده‌اند از جمله در پیام ۱۹۸۵ چنین می‌فرمایند:

”با قلوبی طافع به مسرّت و شکرانه اعلام می‌دارد که جامعه بهائی با تصویب قراری که در جلسه عمومی سازمان ملل متحّد اتخاذ و ضمن آن به تضییقات وارد و اذیّات مستولیه بر احبابی ایران صریحاً اشاره گردیده به رسمیّت بی سابقه‌ای دست یافته است. برای نخستین بار ذکر شریعت نازنین حضرت بهاءالله در انجمان عظیمی بیان و بر لسان جاری گردید که مهم‌ترین نمایندگان اکثریت دول جهان در آن مجمع بین المللی مشارکت می‌نمایند... اهمیّت این واقعه خطیره در آن است که تاکنون فقط در سه نوبت مجمع عمومی سازمان ملل مبارکت به اتخاذ قراری در ملامت و سرزنش یکی از کشورها نموده که دارای سوابق سوء و نامطلوب در امور حقوق بشر می‌باشند... یکی از نتایج بارزه

۱- نقل از ”دیانت بهائی، آئین فرآگیر جهانی“

اقدامات فوق الذکر آنست که این موضوع در دستور جلسه مجمع عمومی ثبت و مدرج گردیده است و باعث خواهد شد سعی و کوشش مداوم در سبیل تسکین محن و آلام احبابی ایران و رفع تضییقات کنونی ادامه بله توسعه یابد تا بالاخره زمانی فرا رسید که حریت و آزادی کامل امر الله در آن سرزمین تحقق و تمکن تام حاصل نماید... (این وقایع) کل شاهد و گواه بر آنند که امر رب مجید من دون شبهه و تردید پرده ظلمت و گمنامی را به یکسو اذکنده است..."

شرف و منقبتی که در اثر جانبازی‌ها و استقامت احبابی فداکار ایران نصیب آن فئه مظلوم گردیده نیز در اکثر دستخطهای منيع ساحت رفیع به چشم می‌خورد از جمله در پیام ۳ جون ۱۹۸۵ می‌فرمایند:

الحمد لله نفوسی که در آن کشور مانده و علم جانبازی افراحته‌اند، اصحاب جناب قدوس و جناب باب الباب را در قلعه طبرسی به یاد می‌آورند که در حصن حسین پیمان الهی مانده و به نفوسی که بواسطه بروز خوف و هراس و طلب راحت و آسایش میدان را خالی کرده به خارج رفته‌اند، نپیوسته‌اند و از این جهت جامعه کنونی مهد امر الله نیز چون فهرمانان دوره عصر رسولی نام خود را الى البد پایدار و فضل و عنایت پروردگار را شامل حال خویش ساخته‌اند..."

همچنین در پیام ۱۹۸۴/۹/۱۱ می‌فرمایند: "دوستان معنوی ایران، تمام عالم امر به وجود شماها افتخار می‌کنند، حقیقتاً" یاران ایران، مبدأ حرکت و مرکز حرارت هستند. قدر این مقام و خدمات را بدانند... یاران ایران مطمئن باشند قدر مقام و شجاعت و شهامت کسانی که در آنجا مانده‌اند از نظر فراموش نمی‌شود و مقام و موقعیت آنها قابل مقایسه با افرادی که از ایران خارج می‌شوند نیست... کلیه این فتوحات و موقیتها مرهون فداکاری و استقامت یاران عزیز ایران است..."

مهمترین تأثیرات و قایع اخیر ایران به ترتیب اولویت از نظر شما:

۶ - وظائف بهائیان و عمل الخصوص جوانان ایران در این ایام

اليوم خدمتی اعظم از استقامت یاران ایران
معهد اعلیٰ نیست".

الف: استقامت

"حیفه است که امور جزئیه از قبیل کسب و کار و تحصیل و غیره یاران عزیز ایران را از خدمت در آن میدان وسیع باز دارد و به خارج بکشاند، زیرا استقامت آن عزیزان در ایران است که امر اعظم را به مدارج عالیه ارتقاء داده. اگر معاذ الله احباء، از تحمل و مقابله با شدائد و مصائب خوف و هراس داشته باشند و به نهیبین از جا بروند آنوقت بالمال روح نباخ امر الهی از تأثیر و نفوذ در هیتل جامعه انسان باز ماند و این امری است که البته یاران با وفا ایران آن را نمی پسندند و سبیل استقامت را حبا "لجماله رها نخواهند نمود." پیام ۳ جون ۱۹۸۵

ب: مداومت در خدمات

"... بیت العدل اعظم البته بر استقامت یاران ایران در مداومت خدمات در مهد امر الله تأکید من نهند و آن را اعظم خدمت در این ایام من شمرند..." ۲۴ دسامبر ۱۹۸۶

ج: تخلق به اخلاق بهائی، انسن یا آیات:

"جوانان عزیز در ایران اعظم خدمتی که حال بدن فائزند همانا تخلق به اخلاق بهائی و تبلیغ به اعمال و دیگر استغراق در بحر آیات الهی و تحکیم مبانی ایمانی از طریق انسن و معارست با آیات صمدانی" جون ۱۹۹۲

د: کسب گمایات عالم انسانی

"جوانان عزیز که در کسب گمایات عالم انسانی در آن سامان به مدارج عالیه رسیده اند البته فرصتی بیشتر دارند تا از ذخایر معنویه خویش در آینده ایام در میادین بین المللی استفاده نمایند و هر یک پرچم هدایت را بر افراخته یاران نو رسیده را به اعلیٰ قلن سعادت رهبری فرمایند."

۲۸ مارچ ۱۹۹۱

ه: تلاوت آیات، مطالعه آثار:

"... آنچه بوده و هست آنکه آن عزیزان از تلاوت آیات و مطالعه آثار و تقویت روحانی خویش شامل نمانند زیرا اسن اساس سعادت ابدیه در این است، امور دیگر از قبیل تحصیل ثروت حتی علوم و فنون هر چند فی حد ذاته ممدوح ولی در صورتی مقبول است که مانع قربیت الهیه و ارتقاء به مدارج عالیه روحانیه و کسب حیات ملکوتیه نگردد و الا خسران هبین است. لهذا آن عزیزان باید نگران باشند تا حدی که میسر و مقدور است بر کسب مدارج عالیه علمیه بپردازنند و اگر در شرائط کنونی از آن محروم باشند آن را حبا" لجماله بدانند و مطمئن باشند که این فدایکاری بمن اجر نمی‌ماند و ظاهرا" و باطنها" سبب حصول سرور خاطر و اطمینان قلب آنان خواهد شد."

۱۹۸۹/۸/۱۰

- فرض کنید: شما فردی هستید که قرار است عده‌ای از جوانان ~~را برای~~ مهاجرت به آفریقا یا آمریکای جنوبی و یا... انتخاب نمایید. چه مشخصاتی را برای چنین جوانانی در نظر من گیرید؟ پرسش نامه‌ای به جهت این کار بنویسید:

آینده

پیشگفتار

به حقیقه اهل بناه تکامل تدریجی بشر در جنبه‌های مختلف در ظل تعالیم آنباشی الهی و مظاهر مقدسه نشان دهنده آنست که حقائق مذهبی امری نسبی است نه مطلق و ظهور ادیان الهی مستمر و متکامل است، اصول اولیه و منشاء کلیه ادیان الهی واحد بوده و تعالیم آنها نیز وجوده مختلفی از حقیقت واحده می‌باشد و تفاوت آنها در مسائل فرعیه است که بنا بر تکامل تدریجی نوع بشر بر او عرضه گشته است. در این بخش سعی خواهد شد با استفاده از نوعی تمثیل که در آثار مبارکه در مورد چگونگی تکامل اجتماعی نوع بشر بیان شده است سیر این حرکت و اعتلاء را درک نموده، حصول وحدت عالم انسانی را درک نمائیم و با مراحل مختلف استقرار امر الهی از مرحله ظهور اعظم الهی تا مستقر شدن مدنیت الهی بر بسیط غبیرآشنا شویم و خطوط کلی طرح جهان آینده را بشناسیم.

تمثیل جمیل

در نصوص مبارگه الهیه نسان تمثیل یا زبان تمادین، به مقدار بسیار حتی بیش از حد تصوّر مورد استفاده واقع می‌شود. این خصیصه بر جسته در تمام کتب سماویه و ادوار الهیه مرسوم و معمول بوده است. علت کاربرد نسان سمبیلیک در آیات و کلمات الهی تسهیل ادارک است. یعنی تمهید شرایطی و وسائطی در نفس کلمه الله الاعظم به جهت اینکه نفوس بشری با راحتی و رغبت بیشتری حقایق و دقایق روحانیه ملکوتیه را بفهمند و ادراک نمایند. تمثیلات و تشیبهات در آثار و آیات این دور اعظم و کور مفخم چنان است که اگر هریک از مجموعه‌های حاوی آثار الهیه را به طور اتفاقی باز بگشایی چندین نمونه از آنها را در هر صفحه مشاهده می‌نمایی. در این باره حضرت عبد البهاء می‌فرمایند: "ظاهر جمال بی مثال حضرت ذوالجلال، خمر حیوان اسرار حقایق و معارف را در جام منیر تشییه و کأس رحیق تمثیل به تشنگان بادیه حیرت بتوشانند."^(۱) و نیز در نحوه درک معانی مستوره این تمثیلات و تشیبهات چنین هدایت می‌فرمایند: "... انسان باید به دعا و تفکر پردازد تا معانی مستوره تمثیلات را بفهمد..." ملاحظه می‌شود که تمثیلات دارای معانی هستند و این معانی مستور و پوشیده است و برای آشکار نمودن و درک کردن آنها انسان باید دو عمل را انجام دهد، اوّل به دعا از درگاه باری تعالی مدد جوید و دوم قوای خداداد درونی خود را به کار اندازد یعنی تفکر کند.

در آثار الهیه این دور مبارک، هیاکل قدسیه، هم نفس عالم انسانی را به هیکل انسانی تشییه فرموده‌اند و هم مراحل ترقی و تکامل آن را به مراحل رشد و نمو پیکر بشری تمثیل زده‌اند. در لوح مبارک ملکه ویکتوریا، جمال اقدس ابھی می‌فرمایند: "فانظروا العالم که هیکل انسان" (مجموعه الواح سلطانی، ص ۱۳۴)، یعنی جهان را چون پیکر انسان ملاحظه کنید. پس برای درک اجزاء و جوارح جامعه بشری و نحوه عملکرد و تعامل نیز ارتباطشان با یکدیگر و شرایط صحبت و سقمشان، باید به همین خصائص و مسائل در هیکل انسانی، نگرش و اندیشه شود. نتایج حاصل از تحلیل خصائص اعضاء هیکل انسان، درباره جوامع بشری نیز صادق است. کما اینکه در همین لوح مبارک، پس از بیان

فوق الذکر، لسان عظمت بیاناتی می فرمایند که منضمون آن چنین است. "... این هیکل صحیح و سالم خلق شد. اما به علت عوامل مختلف، امراض متعدده بر آن عارض گشت و زیر نظر اطباء غیر حاذق واقع شد و اگر عضوی از اعضاء آن به وساطت طبیی حاذق یهودی یافت، دیگر اعضاء به حال یماری باقی ماندند. الى آخر..."

آدمیزاد در مراحل مختلف رشد خود دارای خصوصیات و ویژگیهای متفاوت است. معمولاً سالیان مختلف زندگی را بر اساس این خصوصیات ویژه سنی، به مراحل گوناگون تقسیم می کنند. نوعی از این تقسیمات به قرار ذیل است. تولد تا ۵ سالگی، ۶ تا ۸ سالگی، ۹ تا ۱۲ سالگی، ۱۳ تا ۱۵ سالگی، ۱۶ تا ۱۸ سالگی، ۱۹ تا ۲۵ سالگی و دوران بعدی که ربطی با این مبحث ندارد. هر انسان در هر یک از مراحل سنی مذکور حائز خصوصیاتی ویژه است. یعنی هر فرد، طی مراحل مختلف زندگی اش به خصوص در مراحل اولیه آن، خصوصیات روحی، ذهنی و رفتاری اش به کلی تغییر می کند. برای کسب اطلاعات جامع تر راجع به خصائص مراحل رشد به کتاب "طرح جامع تربیت مردم" ص ۸ مراجعه شود.

در مجموعه توقعات مبارکه مورد مطالعه این مقال، با تکیه بر خصائص متفاوت مراحل رشد انسان و در قالب این تمثیل جمیل، حقائقی از مراحل ترقی و تکامل جامعه بشری، بیان و عیان گردیده که ذیلاً و به تفکیک پیرامون هر یک از آنها، توصیحاتی ارائه خواهد شد.

(الف) مرحله شیرخوارگی و کودکی

خصوصیات مرحله شیرخوارگی و اهمیت ویژه آن برای هر نفسی مشخص و معالم است و در کتب و مجلات فراوان مطرح و موجود. در اینجا نمادی برای توصیف و تبیین مسئله بسیار مهم و پیچیده مراحل اولیه حیات بشری بر کره زمین، مورد استفاده واقع شده که هر فردی خصوصیات بر جسته و عمده آنرا می داند. به فرموده هیکل مبارک حضرت ولی امرالله: "... دیگر عصر شیرخوارگی و کودکی بشر بسر رسیده..." (صفحه ۱۶۳) و نیز درباره تکامل انسان می فرمایند: "... دوران نکمالی... که بشر را از مرحله کودکی به مرحله رشد می رساند..." (ص ۱۰۵) و نیز حضرت عبدالیه راجع به این موضوع به تصریح می فرمایند که: "حیات اجتماعی عالم انسانی... در وقتی در مرحله طفولیت بود..." (ص ۱۰۳) و

نیز: "انسان... موهب و فیوضیاتی... در ایام صباوت داشت..." (ص ۱۰۳) با توجه به این نصوص واضحه معلوم می شود که دورانی از حیات انسان براین کره خاکی، حائز خصوصیاتی همچون ایام کودکی فرد انسانی، بوده است. یعنی نوع انسان بدروی و ابتدائی بوده، ناتوان و ناچیز بوده، دلارای استعدادهای ناشکفته بوده، تجربه زندگی نداشته و به خصوص روابطش با محیط به ویژه آدمیان نخستین دیگر: مثیایه رفتار کودکان با همدیگر بوده است. اما از آنجاکه می فرمایند: "... نیوہای زیستی... در هو عصر و زبان جامعه بشری را سرو سامان بخشیده و سرفوشش را معین ساخته است." (ص ۸۴) در دوران طفولیت بشریت زمینی نیز، مظاهر قدسی و هیاکل الهی براین انسان ابتدائی طلوع کرده، در حد استطاعت و استعداد او، قوه حیات و طریق نجات را برابر او افاضه کرده و به او نمایانده، سبب صیانت و حفاظت و تربیت و هدایت او شده‌اند. بدیهی است مظاهر احادیث دوران طفولیت بشریت در حد ظرفیت و توانایی این مرحله رشد باز زندگی می شدند و اصطلاحاً "به زبان کودکی با وی سخن می گفتند. تحت صیانت و هدایت مظاهر الهی، قوا و استعدادهای مکنونه انسان ابتدایی شکوفا شده و توانسته در ارتباط و تبادل با محیط نامهربان زندگی بدروی خود، علیرغم انواع مشکلات و مخاطرات عدیده شدیده، پایدار ماند و نسل خود را محفوظ بدارد.

ب) مرحله شبابی (نوجوانی)

پس از آنکه به گذشت قرون بی چون و اعصار بی شمار، بشر کودک صفت کم کم رشد کرد، در بستر زمین زندگی نمود و از مادر طبیعت تغذیه شد و از پدر الوهیت تربیت گرفت و بزرگ شد و بینش اویله‌اش از موجودات و اشیاء و پدیده‌های پیرامون افزوده گشت، به تدریج وارد مرحله کاملتر و پیچیده‌تری از حیات اجتماعی خود شد. مرحله‌ای که از لحاظ صفات و خصوصیاتی به دوران شباب و نوجوانی می‌مانست به فرموده حضرت عبدالبهاء: "حیات اجتماعی عالم انسانی... در وقتی... در عنوان شباب" (ص ۱۰۳) بوده است. اما، از آثار و قرائن مکشوفه توسط محققین و مکتشفین بر جسته معلوم و واضح است که این نوجوان حیات جمعی بشری، در یک گوشه یا منطقه مشخص از گستردگی زاده نشده، بلکه همانگونه که در مبحث قبلی آشاره شد، در بسیاری از نقاط متفاوت سطح سیاره، آثار و نشانه‌های این نوجوان آواره، مکشوف و ملاحظه گردیده است.

از آنجاکه حفظ حیات جمعی بشری و تکامل و ترقی آن، همواره مطعم نظر خالق قاهر و آفریدگار ناظر بوده است، و انسان، این جنوه‌گاه حیات متعالی بر سیارهٔ ترابی می‌باشد راه مقدّر کمال را می‌پیمود، قطعاً عنایات و هدایات همیشگی عامل امر، دین واحد خبدانوند از طریق مظاهر منتخب و متعددش، حیات روزگاران نوجوانی او را نیز آبیاری کرده و حرکت اولیه‌اش را هم تسريع نموده است تا آنکه رفته تحت تأثیر تعامل عوامل طبیعت و هدایت حضرت الوهیت و در اثر تلاش و کوشش و ممارست خود او نوجوان سیارهٔ خاک، بر مرحلهٔ درخشان و تابناک زندگی اش یعنی دورهٔ بلوغ نزدیک شده است. واضح است همانگونه که مقدار و نوع تغذیه یک کودک در مراحل مختلف رشدش، متفاوت و متغیر می‌باشد، و متناسب با حدّ احتیاج و مقدار استعداد اوست، به همین صورت میزان بهرهٔ برداری جمعیّت‌های متكامل انسانی و نیز مقدار استفاده آنها از فیوضات روح قدسی، در مراحل گوناگون تکاملش متفاوت و متغیر بوده است. حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: "... هر نوع تفاوتی که در درجات اشراق مظاهر انوار الهی در جهان ملاحظه می‌شود... به این سبب است که بشر در راه نکاملش به سوی بلوغ هر روز استعدادش بیشتر و قابلیت روحانی اش، وسیع‌تر گشته است." (ص ۱۰۶)

ج) مرحلهٔ بلوغ بشریت

مولای توana، حضرت ولی محبوب امرالله می‌فرمایند: "اگر بیانات حضرت بهاءالله را به درستی ادراک کنیم چنین درمی‌یابیم که همان تغییرات نهانی و توصیف ناپذیر و جامع التأثیری که با بلوغ جسمانی یک فرد همراه است...، برای تکامل نظام جامعه انسانی نیز ضرورت می‌باید. و دیر یا زود باید مرحلهٔ مشابهی در بلوغ حیات اجتماعی نوع انسان پدیدار شود..." (ص ۱۰۲) تحولات عظیم جاری در حیات اجتماعی انسانی مشابه علائم دورهٔ بلوغ یک فرد است. همان تغییرات و اختصاصات بلوغ خرد انسانی در بارهٔ بلوغ حیات جمعی نیز صادق است. همانگونه که بلوغ فردی مرحله‌ای قطعی و ضروری در زندگی فردی است، بلوغ جمعی نیز دوره‌ای حتمی و گریزناپذیر در حیات اجتماعی است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "در حال (حیات اجتماعی عالم انسان) به مرحلهٔ بلوغ موعود و مسبinde، آثارش از جمیع جهالت نمودار است... آنچه در مراحل بدوى و محدود گذشته نیازمندی‌های نوع انسان را تعریف می‌ساخت، از عهدهٔ حواچ دورةٌ بلوغ بر نماید..." (ص ۱۰۳) اکنون دوران تحقق بلوغ بشریت است و این دوران وعدهٔ

برگزیدگان تاریخ بوده است. به تدریج که نوجوان بشریت رشد نموده، مظاہر الهی تمثیله حلوانی روز موعود را به او داده‌اند و مرحله به مرحله و نقطه به نقطه، آماده‌اش فرموده‌اند. تا اکنون که به دوران بلوغ رسیده است. آثار و علائم این بلوغ جمعی در هرگوش و کرانه‌ای نمودار است. طفیان و سرکشی، عیناد و استکبار، خودخواهی و خود محوری، تلوّن و تغیر، ستیزه و جدال، فراست و حقیقت نجوئی، اکتشاف و کنجکاوی و بسیاری صفات و خصوصیات دیگران دوران بلوغ کاملاً "وسیعاً" خوازک هر روزنامه و وید زیان هر رسانه است. به نظر مولای توانا: "... عالم انسانی حال به هیجان و التهابی دچار است که با سخت‌ترین دوره تکاملش یعنی دوره بلوغ ملازمت دارد. دوره‌ای که غرور جوانی و سرکشی اش به حد اعلی رسیده". (ص ۱۶۳) و نیز حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "... در عالم بشر بلوغ در وقتی است که عقل و درایت انسان به اعظم درجه رشد و قدرت رسد." (ص ۱۳۰)

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: "... اگر به دیده امانت و وفا بمنگریم، به یقین ملاحظه می‌کنیم امر حضرت بهاءالله که مقصد اقتصایش اتحاد صوری و معنوی اقوام و ملل عالم است، آغاز دوران نوع بشر محسوب می‌گردد." (ص ۱۰۵)

مقصد امر حضرت بهاءالله چیست؟ اتحاد صوری و معنوی اقوام و ملل عالم است و این اتحاد صوری و معنوی به معنی تحقق دوران بلوغ بشریت است. "... بهائیان را اعتقاد بر این است که دیانتی که پروردگار توانا به واسطه حضرت بهاءالله ظاهر فرموده، با مقتضیات مرحله بلوغ عالم انسانی مطابق است." (ص ۱۰۵) ظهور مناسب با دوران بلوغ بشریت فقط و فقط امر عظیم و شریعت قویم حضرت بهاءالله می‌باشد. زیرا میان احتیاجات و استعدادات دوران بلوغ نوع انسان و تعالیم و احکام و اصول و مبادی امر حضرت منان، تناسب و تطابق ذاتی و طبیعی برقرار و عیان است. آن مقدار از فیضان انرژی روحانی و جریان قوای روح قدسی که در کلیت دیانت مقدس بهائی، ارائه و ارزانی شده است، همانی است که بشر امروز منتظر و محتاج آن می‌باشد.

"باید تفصیل و امتیاز این ظهور را این چنین توجیه کنیم که چون عصر حاضر از اعصار گذشته به مراتب پیشتر و لایق‌تر و پذیرنده‌تر است، لهذا می‌تواند و قادر است از خزانه هدایت الهیه مقادیر ییشتی را دریافت کند که در ادارگذشته از طاقت بشر بیرون بوده است." (ص ۸۴)

همانسان که دوران بلوغ انسان دوران شکوفایی قوای خلاقه و استعدادهای مکنوتة اوست، دوره

بلوغ بشریت یعنی تحقق مرحله وحدت نیز برکات و ثمرات شگفت‌انگیز و غیرقابل تصریح محوذ را به بار خواهد آورد. چنانچه می‌فرمایند: "وصول به چنین نقطه کمالی، یعنی تحقق بلوغ عالم انسانی، به نوبه خود فاتحه جهانی است که نظریش را چشم احادی ندیده و شبیهش به تصور احادی در نیامده..." (ص ۱۶۹)

۲) دو جریان موازی

وقتی بخواهیم ساختمان و بنایی را در جایی بسازیم که قبل از آن بنای دیگری وجود داشته است چاره‌ای نداریم مگر اینکه بنای قبلی تخریب شده و به جای آن ساختمان جدید با طرحی بدیع و نو ساخته شود. در تجدید بنای عالم نیز این دو عمل و این دو نیروی مخرب و سازنده با هم در کارند تا بالمال مدنیت الهی بتواند در نهایت شکوه و جلال بر این کره خاک مستقر شود.

حضرت ولی امرالله در باره این دو نیرو چنین می‌فرمایند: "... جریانی مرکب از دو نیروی متضاد سرگرم تغییر و تبدیل وضع کنونی جهان است در حالیکه هر یک از این دو نیرو با شتابی فزاینده و مسیری مختلف، سیر نیروی دیگر را طی می‌کند. این دو نیرو یکی سازنده و الفت دهنده است دیگری مخرب و متلاشی کننده... آن سیر سازنده به آئین نوزاد حضرت بهاءالله وابسته است و طبیعت نظم بدیع جهان آرائی است که بزودی امر بهائی تأسیس خواهد کرد و بالعکس این نیروی مخرب که نماینده آن سیر دیگر است وابسته به مدنیتی است که از اجابت مقتضیات زمانه اعراض نموده و بالنتیجه یه کابوس هرج و مرج و انحطاط دچار شده است."^(۱)

معهد اعلى در پیام رضوان ۱۹۸۳ چنین می‌فرمایند: "هم اکنون در داخل و خارج امر الهی قوای مهیمنه عظیمه‌ای در سریان است تا این دو مرحله متضاد در جریان را در این قرن عظیم فخیم به اوج خود رسانند. در زمرة دلائل و شواهد بسیاری که سیر تکاملی این جریانات را آشکار می‌سازد، از طرفی افزایش مداوم و مستمر نقض قوانین، تروریسم، اختلال و آشتفتگی اقتصادی، فساد اخلاقی و خطر روز افزون از دیاد تسليحات و ادوات ناریه مخربه را، و از طرف دیگر امدادات غیبیه الهیه که موجب اتساع نطاق امر نیز آفاق و استحکام مشروعات بهیه امریه و جلوه بدیع و سریع آن به عنوان امری خطیر در حوادث جهانی را می‌توان ذکر نمود..."

نکته مهم قابل ذکر آنست که این دو جریان هم اکنون در جهان به شدت به تخریب و سازندگی مشغول هستند و وظیفه سنگین و پر مسئولیت اهل بهاء از خلال دستخط منبع بیت العدل اعظم در پیام

۱۰ فوریه ۱۹۸۰ به خوبی مشهود است: "... از یک طرف تازیانه خشم و قهر الهی در کار است تا کار و ان

گریخته از هم گسیخته عالم انسانی را خواه و ناخواه به سرمتش مقصود براند و بتنازند از طرف دیگر هشتاد ضعفای دارند هدایت و عنایت خویشی تربیت فرموده تا در زمان دوره تحول و تحضر تکوین در میان طوایف ای اسما میگیرد به ساختن حسن حسین که بالهای متبرکه و پناه آن قافلی گمگشته است همچنان مشغول باشد.

۳) هفت شمع وحدت

اگر تصور شود مشکلات و مصائب عالم بشری بدون توجه به مسئله وحدت و اتحاد قابل حل خواهد بود، تصوری که شاید در دمه های گذشته از طرف بعضی زمامداران و سیاستمداران عنوان می گشت و یا در افکار آنان موئی زد، امروزه بکلی از نظر همه صاحبان سخنی و حتی اکثریت قریب به اتفاق مردم جهان تصوری خام و غیر واقع بینانه است. ساختار و روابط پیچیده جهان کنونی در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... خود، وضعیتی را پیش آورده که به ناچار بشر بایستی به اتحادی فراگیر و وحدتی در کلیه ابعاد دست یابد تا بتوانند همگی با تشریک مساعی بر روی کره ارض به حیات خود اداه دهند. حضرت عبدالبهاء در مورد حصول وحدت و اتحاد چنین می فرمایند: "در دوره های سابق هر چند ائتلاف حاصل گشته ولی بکل ائتلاف منع على الارض غیر قابل حصول زیرا وسائل و وسائل اتحاد مفقود و در میان قطعات خمسه عالم ارتباط و اتصال معدهم بلکه در بین امم یک قطعه نیز اجتماع و تبادل افکار معمور. لهذا اجتماع جمیع طوائف ممتنع و محال اما حال وسائل اتصال بسیار و فی الحقيقة قطعات خمسه عالم حکم یک قطعه یافته و از برای هر فردی از افراد و سیاحته در جمیع بلاد را اختلاط و تبادل افکار با جمیع عباد در نهایت سهولت میسر، بقسمی که هر نفسی به واسطه نشریات مقتدر بر اطلاع احوال و ادیان و انکار جمیع ملل و همچنین قطعات عالم یعنی ملل و دول و مدن و قری محتاج یکدیگر و از برای هیچیک استغنای از دیگر نه زیرا روابط سیاسیه بین کل موجود و ارتباط و تجارت و صنعت و زراعت و معارف در نهایت محکم مشبود. لهذا اتفاق کل و اتحاد عموم ممکن الحصول و این اسباب از معجزات این عصر مجید و قرن عظیم است و قرون ماضیه از آن معروف. زیرا این قرن انوار عالمی دیگر و قوی دیگر و بورانیتی دیگر دارد اینست که ملاحظه من نمائی در هر روزی معجزه جدیدی من نماید و عاقبتی در انجمن عالم شمع های روشنی برافروزد و مانند بارقه صبح این

نورانیت عظیمه آثارش از افق عالم نمودار گشته.

شمع اول وحدت سیاسی است و جزوی اثرباری از آن تاکنون گردیده و شمع دوم وحدت آراء در امور عقیمه است آن نیز عنقریب اثرش تاکنون گردید و شمع سوم وحدت آزادیست آن نیز قطعاً حاصل گردید و شمع چهارم وحدت دینی است این اصل اساس است و شاهد این وحدت در انجمن عالم به قوت آسمانی جلوه نمایند و شمع پنجم وحدت وطنی است در این قرن این اتحاد و یگانگی نیز به نهایت قوت تاکنون شود. جمیع ملل عالم عاقبت خود را اهل وطن واحد شمارند و شمع ششم وحدت جنسی است. جمیع من على الارض مانند جنس واحد شوند و شمع هفتم وحدت لسان است یعنی لسانی ایجاد گردد که عموم خلق تحصیل آن نمایند و با یکدیگر مکالمه کنند. این امور که گفته شد جمیعاً قطعنی الحصول است زیرا قوتی ملکوئی مؤید آن.

۴ - از ظهور اعظم الهی تا استقرار مدنیت الهی

حضرت ولی عزیز امرالله در مجموعه نفس و ارزنده "قد ظهر بیوم المیعاد" مراحلی را ذکر فرموده‌اند که از ظهور اعظم الهی بر روی کره ارض و اظهار امر حضرت ذوالجلال شروع گشته و مراحل متعددی را شامل می‌گردد، ذیلاً این مراحل ذکر می‌گردد.

۱ - ظهور اعظم الهی

۲ - کیوره گدازان بلایا

۳ - قبول عمومی وحدت و کلیت بشریت (صلح اصغر)

۴ - تجدید بنای بنی آدم رتجدید اسرل انسانی

۵ - تأیید مشخصات و تصدیق مدعیات امر حضرت یهاء الله

۶ - روحانی شدن توده‌های انسانی

۷ - تلفیق و ترکیب نهائی نژادها، آئین‌ها، طبقه‌ها و ملت‌ها در یکدیگر

۸ - ظهور و بروز نظم بدیع جهان آرای الهی

۹ - اعلان و جشن حلول عصر تمافی نژادهای انسانی (عصر ذهبي) توسط جمیع ملل و مردمان

۱۰ - افراشتن عَلِمٍ صلح اعظم

۱۱ - اقبال به و استقبال از سلطنت جهانی حضرت بهاءالله

۱۲ - نمر و ابدیث یافتن مدنیتی جهانی

۱۳ - ایفای عهد ابدی به تمامها

۱۴ - تحقق وعده کل کتب سماوی و جمیع نبوات مظاہر قدسی سلف و مکاشفات عارفان و

شاعران

۱۵ - انعکاس سیاره زمین شعشعات کبریای سلطنت جمال اقدس ابهی را و انتخاب آن به عنوان

مقر عرش، اعلایش

۱۶ - مفتخر شدن سیاره زمین به عنوان سماء زمینی، مستعد اجرای سرنوشت مقدس و متعالی

مقدّر برای آن از ازل، به حکمت و محبت خالق و مصوروش .

۵- طرح کلی جهان آینده

آینده‌ای که دیانت بهائی خواستار تأسیس آن در بسیط غیرامی باشد یکی از بزرگترین آمال جامعه بشری یعنی صلح اعظم و وحدت عالم انسانی می‌باشد که هر یک از تمدنها علی الخصوص ادیان گذشته چنانکه ملاحظه شد برای تحقق آن مساعدتی را اعمال نمودند و این میراث تمدن را حال به دیانت بهائی سپرده‌اند و در مورد اهمیت غایتی که دیانت بهائی موجد آن می‌باشد حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

"... آین بهائی را نباید فقط ظهوری دیگر از ظهوراتی دانست که مقصدشان احیاء روحانی در سرنوشت دائم التغییر بشر بوده است نباید آنرا فقط دینی دیگر در سلسله ادیان شمرد که یکی بعد دیگری ظاهر می‌شوند و نباید آنرا حتی به منزله اوج و ذروه ادوار نبوت انگاشت بلکه آئین بهائی را باید مظهر آخرین و عالی‌ترین مرحله تکامل عظیم حیات اجتماعی بشری در کره زمین دانست."^(۱) و نیز در ترسیم جهان آینده می‌فرمایند:

"... وحدت نوع انسان بنحوی که حضرت بهاءالله مقرر فرموده مستلزم آنست که یک جامعه متحدد جهانی تشکیل یابد که در آن تمام ملل و نژادها و ادیان و طبقات کاملاً" و پیوسته متحدد گشته و در عین حال استقلال دول عضوش و آزادی و ابتکار اعضاء مرکب‌هاش تماماً و یقیناً "محفوظ مانده باشد این جامعه متحدد جهانی تا جاییکه می‌توان تصوّرش را نمود باید دارای یک هیئت مقننه باشد که اعضاش به منزله امنی تمام نوع انسان بالمال جمیع منابع ملل آن جامعه جهانی را در اختیار خود گیرد و قوانینی را وضع کند که برای تنظیم حیات و رفع حاجات و ترمیم روابط جمیع ملل و اقوام لازم و واجب است. در چنان جامعه‌ای یک هیئت مجریه به پشتیبانی یک تیروی پلیس بین المللی مصوبات هیئت مقننه را اجرا کنله به تفیذ قوانینش پردازد و وحدت اصلیه تمام جامعه جهانی را حفاظت نماید. و نیز یک محکمه جهانی تشکیل شود که تمام دعاوی حاصله بین عناصر مرکب‌های این نظام جهانی را داوری کند و حکم نهایی و لازم الاجراش را صادر نماید یک دستگاه ارتباطات و مخابرات بین المللی بوجود آید که با سرعتی حیرت‌انگیز و نظم و ترتیبی کامل به کار آفتد و جمیع

کره زمین را در برگیرد و از جمیع موانع و قیود ملّی آزاد باشد. یک پایتخت بین المللی به متزله کانون و مرکز اعصاب مدنیت جهانی تعیین شود که کانونی برای تمرکز و توجه قوای وحدت بخش حیات باشد و از آن انوار نیرو بخش و جان افزایش به جمیع جهات ساطع گردد. یک زبان بین المللی ابداع شود و یا یکی از زبانهای موجود انتخاب و علاوه بر زبان مادری در تمام کشورهای فدرال جهانی تعلیم داده شود. یک خط و ادبیات جهانی یک نظام مشترک برای پول و اوزان و مقادیر تعیین شود و روابط و تفاهم بین نژادهای متنوع و ملل جهان را ساده و سهل نماید. در چنین جامعه‌ای علم و دین یعنی که نیروی بسیار توانای بشر با هم آشتی پذیرند و همکاری نمایند و در پیشرفت‌شان هماهنگ شوند. در سایه چنین نظامی مطبوعات، به اظهار نظرات و عقاید بشر کاملاً "میدان دهد و از اینکه مورد سوء استفاده ارباب غرض چه شخصی و چه عمومی قرار گیرد اباکند و از قیود نفوذ ملل و دول متنازع رهایی یابد. منابع اقتصادی جهان تحت نظم درآید و از مواد خامش بهره برداری و استفاده شود. بازار فروشش توسعه و هماهنگی یابد و محصولاتش بطور عادلانه توزیع شود. رقابت‌ها و دسائیس ملّی از میان برخیزد و تعصبات و عداوت‌های نژادی به دوستی و حسن تفاهم و همکاری تبدیل گردد. علل خصومت‌های دینی رفع و موانع و قیود اقتصادی کاملاً "القاء و تفاوت فاحش طبقاتی نابود شود. هم فقر و فاقه و هم مالکیت و ثروت فوق العاده از بین رود و نیروهای عظیمی که در راه جنگهای اقتصادی و سیاسی به هدر می‌رود از آن پس معطوف به اهداف لایقی از قبیل توسعه اختراعات و ترقیات فنی و از دیاد تولیدات و محصولات بشری و ازاله امراض و توسعه تحقیقات علمی، وبالا بردن سطح صحت و تشحیذ و اعتلا مغز و فکر بشری و بهره مندی از منابع بکر و ناشناخته زمین و درازی عمر انسان گردد و به ترویج هر وسیله‌ای که حیات فکری و اخلاقی و روحانی نوع انسان را تقویت کند پردازد."^(۱)

حال در این برده از زمان برای تحقق آمال و آرزوی بشریت برای رسیدن به وحدت عالم انسانی نقش پیروان اسم اعظم علی الخصوص جوانان بسیار حائز اهمیت می‌باشد و تلاش و مساعی جوانان در میادین خدمت می‌تواند در تسریع و عود الهی بسیار کارساز باشد. زیرا تنها کسانی که از آینده بشر در کره زمین مطلع و آگاهند پیروان اسم اعظم می‌باشند و تنها آنان هستند که می‌توانند پیام شفا بخش حضرت بهاء‌الله را به گوش اهل عالم برسانند.